

---

## رقص هند

---

نگارش روح‌الله خالقی

رئیس هنرستان موسیقی ملی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هنر رقص با ترقی جامعه انسانی و تمدن بشر ارتباط دارد. بدرستی معلوم نیست که از چه زمان رقص هندی جنبه هنری یافته است. همچنین مورد اختلاف است که کدام يك از کشورهای روی زمین زودتر تمدن شده و پیش از دیگران این هنر عالی را بوجود آورده است. اما شك نداریم که تمدن هند بسیار قدیمی است زیرا قبل از پیدایش کتاب مذهبی «ریگ‌ودا» در ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد، ملت هند تمدن بوده است. درین کتاب دینی از آلات موسیقی مانند مریدنگا<sup>۱</sup> و وینا<sup>۲</sup> و بانسی<sup>۳</sup> و دمرو<sup>۴</sup> و رقص گفتگو شده است. میتوان چنین حدس زد که در دوره ریگ‌ودا، رقص جنبه هنری نداشته و تنها بصورت ابراز احساسات آدمی ظاهر میشده است.

۱ - Mridanga - ۲ - Vina - ۳ - Bansi - ۴ - Damru

در کتابهای قدیمی سانسکریت، کم و بیش مطالب مشابهی از پیدایش رقص ذکر شده است. بنا به سنجش کتاب «آبهینا یادارپانا»<sup>۱</sup> در آغاز امر، «برهما» رقص «ناتیاودا»<sup>۲</sup> را به محبوب خود «بهاراتا»<sup>۳</sup> هدید کرد. سپس بهاراتا با دسته «گاندهاروا»<sup>۴</sup> و «آپسارا»<sup>۵</sup> رقص ناتیا<sup>۶</sup> و نریتیا<sup>۷</sup> را در پیشگاه شیوا اجرا نمود. شیوا که بیاد هنرهای رقص باشکوه خود افتاد، بوسیله ملازمین خویش و سائلان تعلیم بهاراتا را درین هنر فراهم آورد و بسبب عشقی که بوی داشت توسط پارواتی<sup>۸</sup> رقص لاسیا<sup>۹</sup> را بوی آموخت. «پارواتی» این رقص را به اوسا<sup>۱۰</sup> دختر بانا<sup>۱۱</sup> نیز تعلیم داد و این دختر، آنرا بزرگان شیرفروش «دواریکا»<sup>۱۲</sup> یاد داد و آنها این هنر را بزرگان «ساوراstra»<sup>۱۳</sup> آموختند که اینان نیز بنوبت خود بزرگان دیگر بمالک تعلیم دادند و باین ترتیب هنر رقص بتواتر به دیگران رسید و در دنیا پابرجا گردید. در کتابهای دیگر نیز نظیر این مطالب آمده است که تکرار آن موجب طول کلام است.

نمونه‌های بسیار از رقص خدایان هند در آثار باستانی مانند گچ بریها و مجسمه‌ها در داخل و خارج کشور هند دیده میشود و از جمله چنین درمیایم که «ایندرا»<sup>۱۴</sup> هنر پیشگان بسیاری از زنان و مردان در دربار خود داشته است که ۳۱ تن مرد و ۳۹ تن زن بوده‌اند. اسامی هنرپیشه‌ها نیز درین کتابها ضبط شده و یازده تن آنها در آواز دسته جمعی هم شرکت میکرده‌اند. بنا به تصور مردم هند، شیوا اولین هنرمند فن رقص

### رقص شیوا

والد اوای هنری بیسی عالی و زیبا بوده است. وی گنجینه هنر خویش را در اختیار مردم گذارد. یکی از چهار نوع تصویرگری که از شیوا در آثار تاریخی بیادگار مانده و «نریتا مورتی»<sup>۱۵</sup> نام دارد، او را در حال رقص نشان میدهد. گویند وی یکصد و هشت نوع رقص داشته است. وی را مظهر موسیقی و مخترع وزن (Tala) نیز مینامند. یکی از

- 1 - Abhinaya Darpana - 2 - Natya Veda - 3 - Bharata  
 4 - Gandharva - 5 - Apsara - 6 - Natya - 7 - Nritya - 8 - Parvati  
 9 - Lasya - 10 - Usa - 11 - Bana - 12 - Dwarka - 13 - Saurashtra  
 14 - Indra - 15 - Nritta Murty

نامهای شیوا «ناتاراجا»<sup>۱</sup> است که معنی پادشاه هنرپیشگان ورقامان را میدهد. رنگ او سفید بوده و بهمین طوردرتقاشیها و مجسمه‌ها دیده میشود. در ادبیات هند از هفت نوع رقص شیوا نامبرده شده است ازین قرار :

۱ - رقص سرور و شادی ۲ - رقص شب ۳ - رقص کشتن دیوهای زشتی و نادانی ۴ - رقص کشتن دیوی بنام «تری پورا» ۵ - رقص ویرانی و خرابی. پنج رقص نامبرده بنهایی اجرا میشود و دو رقص دو نفری هم داشته که یکی را با «گوری»<sup>۲</sup> و دیگری را با «اوما»<sup>۳</sup> اجرا میکرده و بنام آنها معروف شده است.

در یکی از افسانه‌ها چنین آمده است که زمانی میان شیوا و «کالی»<sup>۴</sup> اختلاف بود که کدام يك خوبتر میرقصند. شیوا رقص را آغاز کرد و «کالی»<sup>۴</sup> او را دنبال نمود. بنظر آمد که شیوا شکست خواهد خورد، بنابر این یکی از پاهای خود را روی تاج خویش گذارد و رقص را ادامه داد. کالی که محجوب و فروتن بود چون دید از عهده همراهی همسر خود بر نمی آید رقص را ترک گفت و خدایان، شیوا را بزرگترین قهرمان رقص شناختند. یکی از رقص‌های نیرومند و فعال شیوا بنام تاندوا<sup>۵</sup> معرف فعالیتهای پنجگانه پروردگار است :

۱ - آفرینش و تکامل تدریجی ۲ - نگاهداری عالم وجود ۳ - گرفتاری و ویرانی ۴ - تجسم ارواح ۵ - رستگاری و بخشایش

درین رقص رمزی، فعالیتهای پنجگانه خداوندگار بخوبی نشان داده میشود : اولین حرکت رقص شیوا سبب آفرینش عالم هستی شد. دومین حرکت، موجب حفظ و نگاهداری و تعادل آن گردید. با حرکت سوم از یک طرف، عمر زندگانی سپری میشود و از طرف دیگر نوزادان با برصه وجود میگذارند. حرکت چهارم موجب پیدایش اشیاء حقیقی و صور فرضی و موهوم از گذشته و حال و آینده گردید. حرکت پنجم، دوره بخشایش را بوجود آورد و درین دوره است که موجودات، رستگاری و نجات آخرت را درمیابند، همان که در زبان سانسکریت، نیروانا (Nirvana) نامیده میشود.

۱ - Nataraja - ۲ Gauri - ۳ Uma - ۴ Kali - ۵ Tandava



در مجسمه شیوا بهر يك از امور پنجگانه بارمزی اشاره شده است :

۱ - وی طبعی در دست راست بالا دارد که تجسمی از آهنگ آفرینش است .

۲ - آتشی در دست چپ بالائی دارد که نشانه انهدام و خرایست .

۳ - دست راست بائینی علامت فتح و ظفر میباشد .

۴ - دست چپ بائینی، نشانه صلح و بخشش و خرسندی و رضایت و نگهداری است .

۵ - پای چپ را بعلامت دستگیری، بالا نگهداشته است . چنانکه ملاحظه میشود رقم شیوا مجسم کننده پنج نیروی فعاله خداست که از اصول اساسی حکمت الهی هند میباشد .



دانشمندان و هنرمندان قدیم که مجسمه زیبا و دل فریب رقص شیوا حاصل افکار و تصورات آنهاست در کار خود کمال مهارت و ذوق را بکار برده اند. فلاسفه و عشاق عالم معنی و هنرمندان و صنعتگران تمام ملل در هر عصری که

ظهور نموده‌اند یا بعدها قدم بر صحنه هستی گذارند، عالیت‌ترین نمونه ذوق و هنر را از تجسم فرضیه عالی آنها استنباط مینمایند. فکر مبتکرین این اثر هنری نفیس، چنان عالی و بلند پایه بوده که هنرمندان دیگر هر چه کوشیده‌اند نقیصی در آن نیافته و چیزی بر آن نیافزوده‌اند.

کالی ملکه و همسر شیواست که نامهای بسیار دارد و یکی از آنها «بارواتی» است. در یکی از نقوش، کالی را در روی جسد شکست خورده شوهرش در

رقص کالی



حال رقص می بینیم . وی زبان از دهان بیرون آورده و موهای بلندش برایشان است . حلقه گلی از سرهای آدمیان در حالی که خون از آنها میچکد ، بدور کردن دارد . دامنی از دستهای انسانی بدور کمر خود پیچیده است . چنین حدس میزنند که وی در زمینی که مرده‌ها را میسوزانند برقص مشغول است همانجا که گوئی تمام آرزوهای دنیوی سوخته و پایمال شده است .

هرچند «کالی» درین رقص، منظری ترسناک را از مرگ آدمی جلوه میسازد ولی در نقشی دیگر، رقصی را نشان میدهد که مظهر صلح و صفاست . شعرای بنگال ترانه‌هایی در وصف کالی سروده و او را رقص بزرگی معرفی نموده‌اند . آنها زمین مرده سوزی را با قلب آدمی مقایسه کرده و گفته‌اند : کالی رقص ازلی وابدی خود را در دل مردمی بجای می‌آورد که از شهوات دنیوی کناره گیری و انکار نفس نموده‌اند . شاید هم بتوان گفت که رقص او جنبه عیاشی و خوشگذرانی داشته و بعدها بزبان فلسفی و عرفانی تفسیر شده است . طرفداران کالی حتی وی را در رقص از شیوا ماهرتر دانسته و گفته‌اند که شیوا برای اینکه قدرت هنرنمایی همسر خود را شهادت دهد بیای او افتاده است .

در شمال هند رقص کودکی کریشنا با کوزه کره و زنان شیرفروش و همچنین رقص دوره جوانی او بنام **رقص کریشنا** «راز الیلا»<sup>۱</sup> بسیار مردم پسند و معروف است . رقص عاشقانه دیگری نیز در مهاراچ دارد که هندیان خوب می‌شناسند . در بنگال همیشه کریشنای نی بدست در حال رقص مجسم کرده‌اند که پری از طاوس بر کلاه دارد . سرودهای عاشقانه کریشنا و «رادا»<sup>۲</sup> همواره با رقص خوانده می‌شود . بنظر پارسیان هند، «کریشنا» و «رادا» جدا نشدنی و یک روح در دو بدن هستند . شیوا مردی جدی بنظر میرسد ولی کریشنا گیرندگی دارد و مظهر عشق بشمار می‌آید . آمین کریشنا اهمیت بسیار بعشق داده و آنرا راه فداکاری نام نهاده است در صورتیکه در آمین شیوا عقل برعشق برتری دارد . شیوا را در معبد پرستش می‌کنند ولی پیروان کریشنا ، او را دوست



خو می‌پندارند . رقص کریشنا در حقیقت همانست که ما امروز از این هنر انتظار داریم . هر یک از حرکات و اشارات رقصان امروز هند چه زن چه مرد ، داستانی از عشق « دادا کریشنا » را مجسم میکند . افسانه‌های عشقبازی این دودلداده ، اکنون هم مانند هزاران سال پیش تازگی دارد . در شمال هند اگر در سرودها ذکر از رقص دادا کریشنا بیان نیاید کامل بنظر نمیرسد . در جنوب هند رقص فاتحانه کریشنا با مار زهرداره نیز متداول است .



گویند کریشنا هنگامی که رقص شب را در کوه  
 « کی لاسا »<sup>۲</sup> در حضور خدایان اجرا میکرد، فرزندش  
 گانشا که سری چون فیل داشت، همراه پدر رقصید.  
 نقوشی ازین رقص از دوران قدیم بیادگار مانده است . از آواز او هم سخن  
 بیان آمده ولی بعنوان هنر مندی که از فن رقص اطلاع داشته باشد در افسانه‌ها

Kaisala - ۲      Ganesha - ۱



در کتاب ودا از رقصهای مذهبی سخن رفته است .  
در یکی از مراسم مذهبی، زنان بدور آتش میرقصند  
در حالی که کوزه های پر از آب بر سر دارند آبرای  
بروی آتش مقدس میریزند و نواهی مخصوص میخوانند  
رقص در مراسم مذهبی

کونی در خواست ریزش بادان و فراوانی غله و شیر دارند . در پایان  
یکی دیگر از مراسم مذهبی، زنان بدور آتش میرقصند که قربانی کنندگان



را نیروی بیشتری بخشند. در همان حال است که پاهای خود را بر زمین می‌کوبند و چنین می‌خوانند: این است عسل.

تا این جا تصویری از رقصهای افسانه ای بررسی کتب تاریخ

خدایان هند بدست آوردیم. درین باب مدارک قابل اعتماد جز در بعضی از کتب قدیم مذهبی نییایم.

اولین کتابی که بقواعد رقص اشاره کرده «ناتاسوترا»<sup>۱</sup> است که مربوط به پانصدسال قبل از میلاد می باشد. از محتویات این کتاب چیزی در دست نیست ولی حدس زده اند که شامل نکاتی درباره حرکات و «ژست» بوده است. از کتب دیگر که مربوط بقرون دوم تا پنجم میلادیت نیز گفتگو بیان آمده است. جزئی از کتاب «بهاراتاناتیا شاسترا»<sup>۲</sup> که اکنون موجود است نیز در همان زمانها تألیف شده. بروایتی «گانا»<sup>۳</sup> مولف «آپهینایادارپانا» که شیوا اورافنا ناپذیر کرد، فرزند زن کوری بود که مادرش پادعا بدرگاه خدا این پسر را یافت. درین کتاب از هنر درام و رقص و موسیقی سخن رفته و این افسانه مذکور است: زمانی «ابندرا» از یکی از خدایان خواست که فن رقص را باو بیاموزد تا بتواند در جنگ با دیوی که درین فن مهارت دارد فاتح شود. بهر حال دانشمندان هند از زمانهای بسیار قدیم اصول قواعد رقص و درام و موسیقی را تدوین کرده اند در صورتیکه این کار در کشورهای غربی بطرز اساسی و اسلوب صحیح سابقه تاریخی کمتری دارد.

در دوره بودا رقص یکی از هنرهای درباری و موجبی

برای بزرگداشت پادشاهان و مہمانان شایسته آنها

بود. همانطور که طبق اساطیر هندی «گاندهاروا» و

«آپسارا» در آسمان موجبات خرسندی خاطر «ابندرا» را با هنر خود فراهم می آوردند،

در روی زمین هم دسته های رقصان که در حمایت سلاطین بودند با اجرای رقص

میرداختند. در آن زمان هنر رقص را جزئی از تعلیماتی میسر دهند که دختران پادشاه

و خانواده های اشراف باید آ نرا بخوبی میدانستند. شاهان نیز بهنر علاقه داشتند

چنانکه «رودرپانا»<sup>۴</sup> نوازنده «وینا» بود و زنش «شاندرواتسی»<sup>۵</sup> میرقصید.

در سکه های که «سامودرا گوپتا»<sup>۶</sup> بنام خود زده است، ویرا در حال نواختن

۱ - Natasutra - ۲ Bharata - Natya - Shastra - ۳ Gana -

۴ - Rudrayana - ۵ Chandravati - ۶ Samudragupta -

چنگ مشاهده می کنیم . کتیبه ای از او در الله آباد موجود است که مهارتش را در موسیقی میساید . « آگنی وارنام »<sup>۱</sup> با هنرپیشه های دربار خود رقابت هنری داشت . « اودایا »<sup>۲</sup> بر بطن میزد و همسرش میرقصید . پادشاه سیلان در کنار قصرش تالار نمایشی ساخته بود که بتواند هنرنمایی هنرمندان خویش را تحسین کند و زرش که بسی زیبا و دلغریب و پرهیزکار بود در رقص مهارت بسزا داشت .

در معابد و زیارتگاهها برای خوشی خاطر خدایان **رقص های مذهبی** میرقصیدند . رقص معبد احساساتی روحانی داشت . دختران رقصه خود را خادم خدایان میدانستند و همواره در معبد میزیستند . آنها را « دوادازی »<sup>۳</sup> مینامیدند که باید پشت در پشت این سمت را داشته باشند . در کتیبه هادیده میشود که در ایالت « تانجور » « Tanjore » در قرن یازدهم در معابد، نمایش و رقص میداده اند و برای تربیت رقصه ها مریبان مخصوص داشته اند .

هندیان رقص را جزئی از مذهب خویش میدانند . رقصه های معبد را خادمین پرستشگاه مینامیدند که در مقابل بتها میخواندند و میرقصیدند . در اغلب معابد از این نوع دختران رقص بوده اند که حالا این رسم منسوخ شده است . افسانه ایست که بودایی ها با ورود رقصه ها بدستگاه الهی بر ریاضتهای مذهبی خود تخفیف داده و در واقع با خدا سازش کرده اند . ستونهای معبد « سیناناواسال »<sup>۴</sup> با اشکال مختلف رقصه ها تزئین شده است .

در زمانهای بعد، هنگام تصرف شهرها، رقص متداول **موارد دیگر رقص** بود . زمانی که پادشاهی شهری را میگشود یا موقعی که جماعتی از محلی به محل دیگر کوچ میکردند ، رقص یکی از تشریفات ضروری بشمار می آمد . در رسوم اجتماعی مانند روز تولد کودک، عروسی، مهمانی، جشن و در ایام عیدهم رقص از واجبات شمرده می شد .

هنر رقص و نمایش و آواز در حدود قرن اول و دوم **دوران انحطاط** میلادی باوج کمال رسید و هزار سال دیگر بهمان درجه از اهمیت و اعتبار باقی بود ولی پس از سپری

Devadasi - ۳

Udaya - ۲

Agnivarnam - ۱

Sitanavasal - ۴



شدن این دوره طولانی برای انحطاط افتاد. درین زمان چون پادشاهان و حامیان هنر گرفتار کشمکش بودند کمتر باین هنر عالی توجه نمودند زیرا وضع سیاسی کشور روز بروز بدتر شد و دوران آسایش بسر رسید. فاتحینی که از شمال غربی بکشور هند سرازیر شدند یا مردمی غیرمتدین بودند و یا مذهبشان باسرگرمی های بت پرستان که از آنجمله هنر رقص بود روی موافق نشان نداد. در نتیجه هنر رقص از دست رفت و این فن کار طبقات پست اجتماع شد بجنبه زیبا شناسی آن توجه نداشتند. بخصوص در دوره حکمرانی مسلمانان، روحانیت و زیبایی این هنر راه فراموشی گرفت بطوری که طبقات ممتاز اجتماع از اشتغال بآن امتناع کردند. اما در جنوب هند که از حوزه حکومت مسلمانان خارج بود، رقص اصیل نگهبانی شد چنانکه در دوره اخیر نهضت هنری رقص از همانجا آغاز گردید زیرا مردم هند جنوبی روش های باستانی را حفظ کرده و در خاطر داشتند.

- رقص دوره سلاطین مغول و افغان بسظور جلب توجه پادشاهان بود و بهمین جهت جنبه شهوانی آن برهنر غلبه یافت. در نتیجه، اشراف و طبقات ممتاز نیز هنر اصیل را از یاد بردند. برقصهای محلی نیز توجهی نشد. فن رقص بانحصار اغنیا در آمد، آنهم بوسیله رقاصه هایی که قصد دلفریبی و آرزوهای دنیوی داشتند و این دوره انحطاط تا اواخر قرن نوزدهم ادامه یافت.

یگی از همکاران (3) آنا پاولووا ۱ موسوم به

تجدید حیات H. Algernoff در ۳۰ ژوئن ۱۹۳۵ در مقاله ای

نوشت که رقص هند راه نیستی در پیش گرفته است

ولی هنرمند مشهور هند «اودی شنکر» ۵ باو جواب داد که احیای آنرا آغاز کرده است. پاسخ او عین حقیقت بود زیرا هم او بود که برای تجدید حیات این هنر کمر همت بست. شاعر شهیر «رایسندرانات تاگور» هم از راهی دیگر باین مقصود کمک کرد. اکنون دوباره برای زنده نگاهداشتن رقص کلاسیک



هند کوشش بسیار میشود و هنرمندان با شوق زیاد بکار پرداخته اند . در نتیجه آموزشگاههای مختلف در تمام نقاط کشور باین منظور تاسیس شده است . از روشهای باله‌های اروپائی نیز اقتباس کرده‌اند که از همه مهمتر تقلید از باله مسکو است . در مقاله‌های آتی به از انواع رقص هند و تکنیک هر يك سخن گفته خواهد شد .

دوره دارد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی